



نشست و گفتگو

کتاب گویا: گذشته، حال، آینده



حسن عبدلی^۱ و سید مجید شهرستانی^{۱۱} در این گفت‌وگو حضور داشته‌اند. محمد نوری به عنوان مصاحبه‌گر به بیان سؤالات و مدیریت مصاحبه بوده است. تولید و عرضه کتاب گویا در دفتر فرهنگ معلولین بر عهده این دوازده تن می‌باشد. آنان در این نشست به بیان تجربه‌ها و تبیین وضعیت حال و اهداف آینده می‌پردازند. اینان با سختی‌ها و موانع بسیار دست و پنجه نرم کرده و مسیر پر سنگلاخ را طی کرده و ظرف سی ماه چهار هزار ساعت کتاب گویا کرده‌اند؛ آن هم با حداقل امکانات. اما از نظر کیفیت هم صاحب نظران آثار تولید این دفتر را برتر از جاهای دیگر توصیف کرده‌اند. مدیریت نشریه توان‌نامه به رغم ضیق وقت این عزیزان، به گفتگو با آنان نشست تا با انتشار یافته‌ها، خاطرات و دستاوردهای علمی و عملی آنان، بلکه جان تازه به کالبد کتاب گویا در عرصه ملی و دینی دمیده شود. و راه‌های تجربه شده و روش‌های ابتکاری را سخاوتمندانه در اختیار جامعه علمی بگذارند.

این گفت‌وگو بر خلاف همه مصاحبه‌های منتشر شده، تکیه و تأکید بر واقعیت‌ها است. تلاش شده از مباحث انتزاعی و ذهنی صرف پرهیز شود. البته به مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی و علمی مباحث هم پرداخته‌اند. ویژگی دوم این گفت‌وگو، شیوه مقایسه‌ای بودن آن است؛ فرایند کتاب گویا با فناوری در خارج و در مؤسسات مختلف داخلی تحلی تطبیقی شده است.

* جناب آقای دکتر رضایی، با توجه به اینکه حضرت تعالی در دانشگاه تدریس دارید و از طرف دیگر در رأس مدیریت چند مؤسسه کتاب گویا حضور فعال دارید، وضعیت کنونی کتاب گویا در عرصه علوم اسلامی را

دفتر فرهنگ معلولین از نظر سابقه، جدید التأسیس است و بیش از سی ماه عمر ندارد؛ اما در عرصه کتاب گویا گام‌های بلندی برداشته است. به لحاظ کمیت بیش از چهار هزار ساعت کتاب گویا در کارنامه‌اش دارد. مهمتر اینکه، فناوری کتاب گویا را به روز رسانده، کیفیت آن را ارتقاء داده و روش‌های کارآمدتر و جدیدتر به کار گرفته است. برای اینکه از اقدامات و تلاش‌های گروه کتاب گویا در این مؤسسه مطلع گردیم و نیز تجارب و دستاوردهای آنان را در اختیار دیگران بگذاریم به گفتگو با آنان نشستیم. مجموعه عوامل کتاب گویا در دفتر فرهنگ معلولین شامل مدیر گروه، گویندگان، ویراستاران، مدیران پروژه‌ها و مشاوران در این نشست حضور دارند. تلاش شد مباحثه‌ای بی ریا و جدی بین آنان تحقق یابد؛ علاوه بر نقد صادقانه تلاش‌های خودشان، شیوه تولید از ابتدا تا انتها تجزیه و تحلیل شود.

خانم‌ها منصوره ضیائی فر^۱، مریم هامونگرد^۲، اعظم قاسمی^۳، آقایان حسن رضایی^۴، سیدرضا حسینی امین^۵، حسین روحانی صدر^۶، اباذر نصر^۷، علی نوری^۸، سعید محمدیاری^۹،

۱. مدیر استودیو و تیم گویندگان.

۲. گوینده ارشد.

۳. مدیر کتاب بریل و ویراستار کتاب گویا در بخش مقابله متون بینیایی با متن گویا.

۴. مشاور ارشد و مسئول گویاسازی کتب دانشگاهی در دفتر فرهنگ معلولین.

۵. مشاور و ویراستار کتاب گویا.

۶. کارشناس کتابخانه ملی و فعال در امور فرهنگی نابینایان

۷. مشاور و مدیر بخش کتاب الکترونیک و ویراستار علمی کتاب گویا.

۸. مدیریت اجرایی دفتر و مدیر نرم‌افزاری کتاب گویا.

۹. ویراستار فنی کتاب گویا.

۱. مدیر کتابخانه آیت الله خامنه‌ای و مشاور دفتر فرهنگ معلولین.

۲. مسئول هماهنگی تیم‌های تولیدکننده کتب گویا، جانشین

مدیریت پشتیبانی.

چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

هم اکنون صدها بلکه هزاران دانشجو و طلبه نابینا در رشته‌های مختلف علوم انسانی و علوم اسلامی در ایران و دیگر کشورها مشغول تحصیل در مقطع‌های لیسانس، کارشناسی ارشد یا دکترا هستند. از سوی دیگر استادان نابینایی در همین رشته‌ها مشغول تدریس می‌باشند.

تنها راه ارتباطی اینان با علوم و انبوهی از اطلاعات، کتب، مقالات و نشریاتی که هر روز بلکه هر ساعت و دقیقه در حال ازدیاد است، همین کتاب گویا است. اما متأسفانه تنها مرکزی که ویژه کتب اسلامی است همین دفتر فرهنگ است. جاهای دیگر مثل مؤسسه رودکی و مؤسسات دیگر به رغم اینکه بسیار تلاش کرده و خدمت نموده‌اند، تخصصی به کتب اسلامی و شیعی نمی‌پردازند بلکه لابلای کارهایشان به گویاسازی منابع دینی هم می‌پردازند. این دفتر یک استودیو کوچک و بودجه بسیار محدود برای گویاسازی کتب اسلامی و شیعی دارد. واقعاً از اعماق قلب همه ما از حاج آقا سید جواد شهرستانی تشکر می‌کنیم. ایشان با آینده‌نگری و تدبیر و درایتی که دارند این دفتر را راه‌اندازی کرد. این دفتر هم با دقت و تدبیر و هدر ندادن منابع مالی و بودجه، توانسته ظرف حدود بیست ماه اخیر، چند هزار ساعت تولید کند.

در مقایسه با گذشته یعنی مثلاً ۵ سال قبل، ما فقط چند عنوان کتاب گویا در زمینه آثار شیعی و اسلامی داشتیم و مجبور بودیم کسی مثل خانم یا فرزند خودمان را اجیر کنیم تا کتابی را برایمان بخواند. با این روش به فراگیری می‌پرداختیم و در تحصیل و تدریس پیش رفته‌ایم. امتحان کارشناسی ارشد و دکترا را به همین روش گذرانده و با امتیاز عالی قبول شدم. در مقام تدریس هم چند سال استاد برتر و نمونه شدم. ولی واقعاً خیلی سخت است، بسیار تحت فشار هستیم، تصور کنید درست مثل اینست که دانشجویانی را بدون اینکه کتاب و نشریه و منبع در اختیارشان بگذارند، از آنها بخواهند با دانشجویانی که همه نوع امکانات و منابع در اختیارشان هست رقابت کنند.

اینجانب شرایط و وضعیت معلولین و روشندان را برای بسیاری گفتم ولی تنها کسی که ما را تحویل گرفت و سخن ما را درک کرد و واقعاً حمایت کرد، حاج آقا شهرستانی بود. اینجا می‌گویم و جاهای دیگر و در دانشگاه بارها گفته‌ام، اگر آقای شهرستانی هیچ خدمتی نداشت و فقط همین اقدام را در کارنامه خود می‌داشت، نام و آوازه‌اش در تاریخ می‌ماند. ما قول می‌دهیم این خدمت ایشان را به گوش همه دنیا برسانیم.

چهار هزار ساعت کتاب گویا ظرف بیست ماه آن هم فقط کتب اسلامی و شیعی، آن هم کتبی مانند تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان، خدمت بسیار بزرگی است. البته اگر حاج آقا بودجه این پروژه را دو برابر فرماید ما هم از اینطرف کمک کنیم و خالصانه خواهیم کوشید. با این وصف، حدس من اینست که تا پنج سال آینده به روز می‌رسیم. یعنی از این وضعیت بسیار سخت کنونی نجات پیدا می‌کنیم.

اینجانب اینجا بگویم خدمت بزرگ حاج آقا شهرستانی و دفتر فرهنگ فقط گویا سازی کتب اسلامی - شیعی نبوده بلکه تلاش شده شیوه گویا سازی و شیوه ارسال و دیگر ابعاد کتاب گویا را متحول سازد و متناسب با تکنولوژی روز حرکت کند. البته با واقعاً امکانات بسیار اندک.

برای نمونه تلاش شده مجموعه‌سازی شود. یعنی در هر زمینه مثل استشراق مجموعه‌ای از آثار گویا شود؛ دوم آثار مرجع و اولویت‌دار، کار شده، سوم تلاش شده پس از تولید دقیقاً ویرایش شود هم ویرایش فنی و هم ادبی و هم علمی تا خدا نخواستہ بدآموزی نداشته و واژه‌گان اشتباه خوانده نشود.

*** جناب آقای عبدلی جنابعالی بیش از یک دهه مدیریت بخش نابینایی کتابخانه آیت الله خامنه‌ای را بر عهده داشته و از بدو تأسیس این دفتر هم در جلسات مهم شرکت کرده و با امور این دفتر هم آشنا هستید؛ نیز در عرصه تکنولوژی کتاب گویا، تبحر و اطلاعات کامل دارید. جایگاه ایران و سپس دفتر را در زمینه تکنولوژی چگونه می‌بینید؟**

فناوری کتاب گویا جنبه‌های مختلف دارد؛ حداقل دو بخش مهم دارد: فناوری تولید؛ دوم ارسال و دریافت دو جنبه مهم کتاب گویا است. جهان در هر دو زمینه در دو دهه اخیر متحول شده، ابزارها و روش‌های جدید به بازار آمده است. متأسفانه در ایران اندکی عقب هستیم و نتوانسته‌ایم همگام با جهان مدرن حرکت کنیم.

ما با این واقعیت مواجه هستیم که چاپ و نشر کتاب در همه زمینه‌ها رو به توسعه و ازدیاد است. چاپ و نشر ماشینی اجرا می‌شود. گویاسازی هم باید همان سرعت را داشته باشد و بناچار باید ماشینی شود. صرفاً با استودیو و روش سنتی نمی‌توان همه نیازها را پاسخ گفت.

اما برای ماشینی کردن، فناوری گویاسازی، هم اکنون مشکلات هم در زبان فارسی و هم در عربی زیاد است.





طرف دنیا به دست کاربر برسد و مصرف شود. اما ارسال و دریافت کتاب گویا هم اکنون از طریق بلوتوث، موبایل، CD، DVD و ام پی (Mp) اجرا می‌شود. این سه شیوه رایج‌ترین روش‌ها است. البته دو روش دیگر هست که کما و بیش اجرا می‌شود یکی انتقال با فلاش یا هارد دیسک و دوم ارسال از طریق ماهواره یا خطوط تلفن و پخش آن با رادیو یا تلویزیون. وسایل و شیوه‌ها در همه این پروژه‌ها تحولات اساسی پیدا کرده است.

* آقای نصر با توجه به رشته شما^۱ و اینکه چند سال است به ویراستاری و مدیریت کتاب گویا مشغول هستید، توجیه اقتصادی کتاب گویا نسبت به بریل چیست؟

کتاب گویا نسبت به کتاب بریل یا کتاب الکترونیک (E-Book) اگر مقرون به صرفه باشد در عمل و اجراء گردد و اگر نه تعطیل می‌شود. اما کتاب گویا در دو سطح قابل بررسی اقتصادی است: یکی در سطح مصرف عمومی و دوم در سطح مصرف ویژه نابینایان.

اما در سطح عمومی و مصرف کتاب گویا توسط عموم مردم؛ کارشناسان اقتصادی آن‌را با کتاب کاغذی مقایسه کرده و مزایای آن را نسبت به کتاب کاغذی اینگونه برشمرده‌اند: ۱. حمل و نقل کتاب گویا راحت‌تر و کم هزینه‌تر است. یک کتابخانه کتاب گویا را می‌توان روی یک فلاش حمل کرد ولی کتاب کاغذی حجیم و سنگین است و حمل و نقل آن مشکل است. ۲. کتاب گویا را در شرایط مختلف می‌توان استفاده کرد. به ویژه وقتی مشغول کار دیگر مثل آشپزی یا رانندگی می‌توان به کتاب گویا هم گوش کرد. ۳. هزینه خرید کتاب گویا بسیار ارزان‌تر از

نیاز به بودجه‌های مستقل است تا در این زمینه تحقیق شود و مشکلات را مرتفع نمود. متأسفانه تا کنون سازمان و نهادهای متصدی اصل کتاب گویا نیست چه رسد به تحقیقات در این باره. همین مشکلات در بریل هم هست و بودجه تحقیقات برای رفع مشکلات در زبان فارسی و عربی در اختیار نیست. اگر افراد خیر و نیکوکار در این زمینه اقدام نمایند، نتیجه قطعی است.

* اگر ممکن است فناوری مدرن در عرصه تولید کتاب گویا را توضیح بفرمایید؟

کتاب گویا را می‌توان با یک دستگاه ضبط صوت تولید کرد؛ نیز می‌توان در استودیو و با استفاده از امکانات استودیویی تولید نمود. در استودیو از میکروفن تا برنامه‌های نرم‌افزاری و کامپیوتری که برای ضبط استفاده می‌شود. تحولات مهم و اساسی پیدا کرده است. ابزارهای مدرن و برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مدرن نسبت به حتی یک دهه قبل، صددرصد تحول داشته است. نیز برنامه‌هایی که برای هواگیری و ویرایش فنی به بازار آمده و الآن استفاده می‌شود، کاملاً نسبت به گذشته تحول یافته است.

امکانات تولید ماشینی و رباطها یا برنامه‌های کامپیوتری که فایل متن را دریافت کرده و شروع به خواندن می‌کنند. به عبارت دیگر فایل الکترونیکی را تبدیل به تراک‌های صوتی می‌نمایند. به دلیل سرعت و ارزانی این روش، طرفدارانی دارد. هر چند بعضی از کاربرها با صدای ماشین مأنوس نیستند و گوش دادن به چنین تولیداتی را گوش خراش می‌دانند. اما احتمالاً در آینده صدا اصلاح شود و مشابه صدای طبیعی انسان شود.

پروژه‌ای که شرکت‌ها روی آن کار می‌کنند، قرائت متن توسط نابینایان است. یعنی با استفاده از برجسته‌ساز یا بریل‌ساز، متن روی صفحه کلید تبدیل به زبان بریل یا علائم بریلی می‌شود. صفحه کلید به جای دکمه‌های الفبایی، دارای سامانه لمسی است و کلمات را به صورت برجسته درمی‌آورد و نابینا از طریق لامسه کلمات را می‌خواند؛ آنگاه صدای او ضبط می‌شود و به این روش کتاب گویا تولید می‌شود. در این روش به جای تبدیل متن کتبی به شفاهی که روش اغلب است؛ در این روش متن بریل تبدیل به متن گویا می‌شود.

* فناوری‌های مربوط به ارسال و دریافت را توضیح بفرمایید؟ کتاب گویا پس از تولید باید گاه هزاران کیلومتر آن

۱. فارغ التحصیل دانشگاه فردوسی مشهد در رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی ارشد و دارای سابقه بیش از یک دهه در امور کتاب مرجع و کتاب معلولین.



کتاب کاغذی است. اما هزینه‌های تولید کتاب گویا و کتاب کاغذی تا حدی مشابه است. چون کتاب کاغذی پس از تألیف با گذشت از این مراحل به تولید می‌رسد: حروف چینی، فیلم و زینک، چاپ، صحافی و پخش. مراحل کتاب گویا اینگونه است: قرائت یا خوانش و ضبط، ویرایش فنی و علمی، تکثیر و پخش. اما در سطح مصرف روشندان، کتاب گویا را باید با کتاب بریل و فایل الکترونیکی مقایسه کرد. در مجموع حمل و نقل و دسترسی و دیگر جنبه‌های کتاب گویا روی CD بر آن دو برتری دارد.

*** خانم هامونگرد از بین روش‌های موجود در عرضه کتاب گویا کدامیک به نظر شما بهتر و کارآمدتر است؟**
برای ارزیابی و داوری چند معیار و ضابطه مثل قابلیت حمل و نقل، ارزانی در تولید و دسترسی مطرح است. اما به نظر می‌رسد جهان در سال‌های اخیر به داندود و تغییرپذیری اهمیت بیشتر می‌دهد. هر روشی که بتوان اطلاعات را نگه داشت، ذخیره کرد و مجدداً استفاده نمود بهتر است. نیز در شیوه‌هایی که اطلاعات را به شکل‌ها و گونه‌های مختلف در می‌آورند و عرضه می‌کنند، مثلاً فیش‌برداری می‌کنند، یا امکان ترکیب یا انفصال و تهذیب دارند، کارآمدتر می‌باشند.

*** آقای محمدیاری وضعیت نرم‌افزارها و برنامه‌ها و امکاناتی که برای کتاب گویا استفاده می‌شود چگونه است؟ آیا امکان این هست که تمامی مراحل ویرایش فنی به صورت اتوماتیک اجرا گردد و نقش عوامل انسانی را به صفر برسانیم یا کمتر کنیم؟**

روش ویرایش فنی هم اکنون در دفتر اینگونه است که پس از ضبط کتاب گویا در استودیو، دو نفر نابینای مطلق آن را از ابتدا تا انتها گوش داده و بوسیله برنامه‌های ویرایش، هر جا صدای زائد یا تکرار کلمه یا اشتباه یا هوا باشد آن را اصلاح می‌کنند.

درست است که این شیوه هزینه‌بری زیاد دارد اما بسیار مطمئن است و کیفیت کار را بالا می‌برد. اما در جهان مدرن برنامه‌ها و امکاناتی هست که هواگیری یا ویرایش فنی را به شیوه اتوماتیک اجرا می‌کنند. این برنامه‌ها در زبان انگلیسی جواب داده ولی در زبان فارسی هنوز در مرحله آزمایشی است. قطعاً در آینده تکنولوژی پیشرفت و به امکانات مدرن و جدید دسترسی بیشتر خواهیم داشت.

اغلب مؤسسه‌های تولید کننده کتاب گویا، ویرایش فنی ندارند و آثارشان مشکل دارد گوش خراش است. اما مدیریت دفتر فرهنگ معلولین بر کیفیت تأکید دارد. اساساً آثار تولیدی مؤسسه آل‌البیت (ع) در همه زمینه‌ها دارای کیفیت برتر در جهان است. به همین دلیل هر سال در مراسمی مثل کتاب سال، این مؤسسه به عنوان اول و برتر معرفی می‌شود. دفتر فرهنگ معلولین یکی از مراکز وابسته به مؤسسه آل‌البیت (ع)، نیز اینگونه است.

*** در زمینه کتاب گویا فکر کنم یک شیوه استاندارد و همگانی نیست و هر مؤسسه به سلیقه خود اقدام کرده است؟**

دو بحث هست یکی اینکه در سراسر جهان کارشناسان یک شیوه را پیشنهاد کرده‌اند این شیوه ۱۸ مرحله‌ای است و دفتر فرهنگ هم همین شیوه را اجرا می‌کند. یعنی روش تولید آن طولی است و از یک نقطه آغاز و در جایی هم به انتها می‌رسد و عرضه می‌شود. این مراحل عبارت‌اند از:

انتخاب متن ← انتخاب گوینده ← مطالعه متن (حرکت و اعراب‌گذاری، حذف و اضافه‌ها) ← خواندن ← ویرایش فنی ← ویرایش علمی و ادبی ← بررسی نهایی و مجوز ← موسیقی‌گذاری ← مجموعه‌سازی یا تک خواننده ← راهنمانگاری و آماده‌سازی ← معرفی نامه روی قاب ← طراحی روی CD و روی قاب ← تکثیر ← قاب‌گذاری ← معرفی در سایت و نشریات ← ارسال و پخش ← پی‌گیری عکس‌العمل‌ها.

اما مراکز و مؤسسات به سلیقه خود مراحل و خط تولید خود را تنظیم و سامان‌دهی کرده‌اند.

*** خانم هامونگرد! شما تلاش فراوان داشته‌اید که تولیدات بهترین کیفیت را داشته باشد. صدا و خواندن و قرائت متن اصلی‌ترین عنصر در ساختار کتاب گویا است. شما در این زمینه چه تجربیاتی دارید و برای تولید آثار بهتر چه اقداماتی داشته و چه طرح‌هایی برای آینده دارید؟**

ما در دفتر فرهنگ معلولین افرادی که صدای خوب دارند شناسایی کرده و پس از آزمون و تست صدا، جذب می‌کنیم ولی آنان مدتی آزمایشی کار می‌کنند و پس از گذراندن مراحل فنی و آموزشی، مجوز رفتن به استودیو را دریافت و به عنوان همکار به کار مشغول می‌شوند.

۱. گوینده ارشد این مؤسسه و از گویندگان رادیو قم.

اما حتی صدای خوب ممکن است بر اثر عارضه‌هایی مثل سرماخوردگی یا آسیب دیدن تارهای صوتی، مشکل پیدا کند، در این موارد درمان‌هایی وجود دارد. هم در طب سنتی و هم در طب جدید داروهایی هست که موجب ارتقا صدا و اصلاح تارهای صوتی و حنجره می‌شود. البته بعضی افراد به صورت دائمی و ذاتی دارای صدای قوی و مستحکم و به اصطلاح جذاب و چهار دانگ هستند؛ نیز بعضی ذاتاً و به صورت ارثی صدای خوبی ندارند. حتی تمرین یا درمان برای این افراد مؤثر نیست. اما در مجموع کسانی که صدای متوسط دارند باید دائماً تمرین و به صدای خود رسیدگی نمایند. چون صدا مثل هر موجود طبیعی نیاز به رسیدگی دارد؛ دوره تولد و پیری دارد. البته برخی صداها، دیر پیر می‌شوند؛ مثلاً افرادی در سن شصت سالگی همان صدای بیست سالگی را دارند. ولی اکثر صداها همراه پیر شدن انسان و تحلیل رفتن اعضا و جوارح، تحلیل رفته و ضعیف می‌شود.

*** گذشته از مباحث فنی و طبی آیا از نظر فقهی و حقوقی مانع و مشکلی وجود داشته است؟**

با اینکه در جامعه مذهبی هنوز ذهنیت‌هایی هست که صدای زن را ممنوع و مطرود می‌دانند ولی دفتر فرهنگ معلولین که وابسته به دفتر مرجع اعلی شیعیان است، در این زمینه تابوشکنی کرد. البته ضوابط و احکام دقیقاً مراعات می‌شود. یعنی خانم‌ها با صدای فاخر و بدون رفتارهای طربناک و بدون غنا و بسیار سنگین به خواندن متن می‌پردازند.

*** در زمینه رابطه هنر با خواننده یا مراعات نکات هنری چه نظری دارید؟**

در خواندن متن، هر مقدار از هنر بهره‌مند شویم و ضوابط و معیارهای هنری را به هنگام خواندن به کار ببریم، کار تولید شده جذابیت بیشتر خواهد داشت. نابینایان فقط صدا را می‌شنوند و جنبه‌های دیگر اثر را نمی‌بینند. از اینرو صدا باید تمام ظرافت‌ها و ابعاد یک متن و رخدادهای حاشیه‌ای آن را نشان دهد. یعنی خواننده باید هنرمند هم باشد و بتواند از طریق صدا و با صدایش، همه جنبه‌های متن و صاحب متن را بفهماند.

*** بر این اساس صداهای دیجیتالی و ماشینی چون هنرمندانه نیست، از نظر شما مطلوبیت ندارد؟**

وقتی ربات‌های کامپیوتری می‌خوانند و کتاب گویا توسط این برنامه‌ها و ابزارها تولید می‌شود، قطعاً لطافت و ظرافت‌های صدای انسانی را ندارد. گاه صدای ماشین بسیار خسته کننده و ملال‌آور است. با این حال همیشه باید اولویت‌ها را در نظر گرفت. پروژه‌هایی که هزینه‌بری زیاد دارند؛ از طرف دیگر عجله هست و مثلاً کتاب درسی است و برای امتحان نیاز مبرم است، در این صورت اولویت‌ها حکم می‌کند از ربات‌ها کمک گرفته شود. به ویژه وقتی که بودجه کافی هم در دست نباشد. به نظر می‌رسد آثار فاخر و مهم و ماندگار مثل تفسیر *المیزان* یا تفسیر *مجمع البیان* باید حتماً با صدای انسانی و طبیعی خوانده شود. ولی آثاری که روشندان یک‌بار گوش می‌دهند مانند کتاب‌های کمک درسی، با ماشین خواندن اشکالی ندارد.

*** گویا در باب هنرمند بودن گوینده نظریات دیگر هم هست؟**

دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه نخست می‌گوید گوینده باید هنرمند باشد و باید بتواند ابعاد و ظرافت‌های متن را به شنونده منتقل کند. نظریه دوم اینست که متون دو گونه و دو دسته‌اند. یک دسته مثل رمان و فیلم‌نامه که هنر در محتوا و جوهره آنها است و گوینده باید با روش‌های هنری ظرافت‌های متن را منتقل کند. دسته دیگر متون علمی است که نه تنها نیازی به استفاده از هنر نیست بلکه نباید از هنر استفاده کرد.

*** آقای علی نوری جنابعالی که سال‌ها است به امور رایانه‌ای و نرم‌افزاری کتاب گویا مشغول هستید و در دفتر فرهنگ معلولین مدیریت ارشد کارها را بر عهده دارید درباره طرح‌های آینده برای به روز شدن در زمینه فناوری چه نظری دارید؟**

بنده موظف شده‌ام دفتر را مطابق آخرین دستاوردهای فناوری کتاب گویا و امکانات جدید مدیریت کنم. چند ماه است مشغول مطالعه موبایل کتاب (MB) و ایجاد و راه‌اندازی سیستم اندروید بر روی گوشی‌های همراه و انواع رایانه‌ها هستیم. با استفاده از این نرم افزار افراد نابینا یا عادی می‌توانند هر کتاب و یا هر بخشی از کتاب مورد نظر خود که بر روی وب سایت مرکز قرار داده شده باشد دریافت و گوش نمایند و دیگر نیاز نیست که همه کتاب را که حجمش زیاد است را دریافت کنند. الان سیستم‌های



MP بسیار ارزان در بازار هست اگر بتوانیم یک سیستم جایگزین ابتکار کنیم، گام مؤثری است. چون روی یک MP چندین CD و DVD عرضه می‌شود و خودش سیستم عامل پخش است و گوشی هم

دارد. مثل CD نیست که یک پخش یا کامپیوتر هم نیاز باشد بلکه وقتی MP تهیه شود نیازی به وسیله دیگر نیست. جاگیری آن هم بسیار کم است. نیز در هر جا حتی راه رفتن به سوی دانشگاه یا رفتن برای خرید هم می‌توان در جیب گذاشت و با گوشی آن استفاده کرد. مشکل ما در دفتر فرهنگ معلولین اینست که بودجه خاص و مصوب برای توسعه و ارتقاء فناوری نداریم، لذا با حداقل امکانات تلاش می‌کنیم ابزارها و روش‌ها و برنامه‌های جدید را تجربه و برای عزیزان معلول آماده کنیم.

* گویا دفتر اولین مؤسسه‌ای است که در کنسرسیون جهانی دیزی عضو شده ولی امسال خبر جدیدی منتشر نشده است؟

برای مؤسسه دیزی در سوئیس درخواست عضویت فرستادیم و ارتباطاتی داشتیم. حتی در سال ۲۰۱۲م در اجلاس سالانه نماینده فرستادیم. نماینده دفتر سخنرانی کرد و با استقبال مواجه شد.

دیزی چند جنبه دارد؛ یک جنبه آن آموزشی است. مؤسسه دیزی فناوری‌های مرتبط به نابینایان را تعلیم می‌دهد. یک جنبه دیگر آن توسعه شیوه‌های جدید پژوهش برای اینکه روشندان بتوانند کیفیت تحقیقات خود را ارتقاء دهند.

در این دو سال اخیر درباره دیزی و اینکه عضویت دفتر چه اندازه سودمندی دارد، بررسی و مطالعه شد و به این نتیجه رسیدیم که در این شرایط عضویت دفتر در این کنسرسیون چندان مفید فائده نیست. شاید به همین دلیل مؤسسه‌های دیگر هم عضو نشده‌اند. دفتر فرهنگ طرح جایگزین برای دیزی را دارد بررسی می‌کند. کاری شاق و بسیار پیچیده است و نیاز به مطالعات و کارشناسی‌های اساسی و وسیع دارد. متأسفانه ما بودجه

کافی برای اینجور پروژه‌ها نداریم. یعنی فاز صفر چنین پروژه‌ای چند ده میلیون تومان بودجه نیاز دارد. اما با همین امکانات بسیار اندک هم مشغول هستیم و شاید سال آینده به نتیجه برسیم. خلاصه این طرح اینست که در جهان اسلام بر اساس اقتضائات و نیازهایش دیزی ویژه و متناسب خودش راه‌اندازی می‌شود.

* خانم منصوره ضیائی‌فر، مهم‌ترین ابتکار و نوآوری شما در گروه کتاب گویا در این دفتر چیست؟

پیش از شروع کار دفتر فرهنگ معلولین، کتاب‌های تک نگاری در مؤسسات ضبط می‌شد. مهم‌تر اینکه نزدیک به سه دهه کتاب گویا با تحولات اندک و در مواردی بدون کوچکترین تحول تداوم یافته است.

وقتی مدیریت کتاب گویا را در دفتر فرهنگ به من سپردند و کار را شروع کردم، با بسیاری از کارشناسان مشورت کردیم تا بتوانیم تحولاتی ایجاد کنیم و کتاب گویا را کارآمدتر نماییم. اولین مسئله این بود که کتاب گویا فقط در محدوده کتب بود یعنی نشریات و دیگر آثار از قلمرو کتاب گویا بیرون بود. عملاً هم فقط کتب گویا می‌شد. با اینکه روشندان به دیگر آثار نیاز مبرم دارند؛ به ویژه نشریات چون حامل اطلاع‌رسانی‌های جدید می‌باشند.

کتاب گویا (Talking Book یا Audio Book) اگر به همه آثار توسعه یابد، آثار گویا Talking Works تغییر نام می‌پذیرد. تلاش کردیم کتاب گویا تبدیل به آثار گویا گردد. یعنی نشریات مهم و مؤثر، مقالات، دائرةالمعارف‌ها، اسناد و مدارک، همایش و سمینار و میزگردها، مجموعه‌ها، درس نوشته یا تقریرها، زندگی‌نامه‌های فردی و جمعی، مآخذشناسی‌ها و کتاب رادیویی همگی به صورت گویا در اختیار نابینایان قرار گیرد.

برخی نشریات مثل مجله وقف میراث جاویدان و مجله بینات همراه نشریه CD عرضه کرده‌اند ولی هنوز عمومی نشده است. گویا سازی یک نشریه آن هم مثل آینه پژوهش کار بس شاق و پرمشکل است. اما تأثیر علمی و فرهنگی آن در جامعه روشندان بسیار زیاد است. چون آخرین اطلاعات و اخبار، را در اختیار آنان گذاشته و آنان را با آخرین نظریات آشنا می‌نماید.

البته ما تک‌نگاری‌ها را هم گویا کرده‌ایم ولی در کنار اینها به طرح‌های ابتکاری هم روی آوردیم. در امریکا برای اولین بار در سال ۱۹۴۰م گویا سازی نشریات اجرا و عرضه شد



ولی متأسفانه در ایران غیر از برخی نشریات که چند سال اخیر همراه نشریه CD عرضه می‌کنند برای بقیه نشریات هنوز عمومی نشده است.

*** کتاب‌های گویای مجموعه‌ای به ویژه آثار مجموعی ماه‌های اخیر، از نظر ابتکاری و جدی بودن قابل توجه است؟**

این شیوه برای اولین بار در دفتر فرهنگ اجرا و عرضه شده است. هر موضوعی که در نظر آورید اولاً دامنه آن بسیار عریض و طویل است. از سوی دیگر آثاری که درباره یک موضوع و موضوعات زیر مجموعه آن تألیف شده معمولاً متنوع می‌باشد. مثلاً تصور بفرمایید درباره حقوق زن، گویا کردن یک کتاب، تأثیر و کارآیی محدودی دارد ولی اگر چند اثر گویا شود چون دامنه وسیع‌تری از مسائل و موضوعات را پوشش می‌دهد پس کارآیی آن افزون‌تر است. بنابراین تلاش کرده‌ایم هر مبحثی را مجموعه سازی کنیم و مجموعه‌ای از آثار را گویا کنیم. این مجموعه‌ها دو گونه‌اند یا چند کتاب تک نگاری را مجموعه می‌کنیم و یا یک اثر چند جلدی مثل تفسیر میزان را مجموعه می‌کنیم. هر دو مورد کارآیی دارد.

*** مجموعه سازی نیاز به راهنما هم دارد به ویژه اگر نمایه سازی شود کارآیی آن بسیار افزایش می‌آید؟**

درست است قدم بعدی اینست که برای هر مجموعه راهنما تدوین کنیم. راهنما به کاربر نشان می‌دهد دقیقاً فلان مبحث در فلان تراک CD یا DVD است. مهم‌تر اینکه نشان می‌دهد چه مباحثی در این مجموعه هست. راهنما سازی روی چند مجموعه آزمایشی کار شده و درصدد نهایی کردن و عرضه آن می‌باشیم. راهنماها با دو ساختار الفبایی و درختی عرضه می‌شود. این سازه ملحق به کتاب گویا هم ابتکار دیگری است که برای اولین بار در اینجا در حال عملی شدن است.

*** خانم ضیائی‌فر چرا فقط روی یک طرح و مدل تبلیغ می‌شود. یعنی برای گویا سازی همه به یک مؤسسه و یک استودیو فکر می‌کنند؛ آیا نمی‌توان مدل‌های دیگر را به کار گرفت؟**

برخی کشورها برای به روز رساندن کتاب گویا از چند مدل با هم کمک گرفته‌اند. مثلاً اعلام کرده‌اند هر نویسنده اثرش را بخواند و ضبط کند در صورتی که کیفیت مطلوب را داشته باشد، فلان مبلغ خریداری می‌شود تا در چاپ

کتابش مساعدت می‌شود. یا طرح خود اشتغالی در کتاب گویا راه‌اندازی کرده‌اند. یعنی افراد بیکار یا خانم‌های خانه‌دار ولی دارای سواد لازم، یک هفته آموزش داده‌اند و آنان در خانه شروع به گویا سازی کرده‌اند و محصولات خود را به مراکز فروخته‌اند.

یا مدل اشتغال دانشجویان، در هر دانشگاه مرکزی دایر شده که دانشجویان را با یک آموزش کوچک جذب تولید کتاب گویا می‌کند.

*** خانم ضیائی‌فر در زمینه شاخص‌های کیفیت چه نظری دارید؟**

برای ارزیابی کتاب گویا، گاه سلیقه‌ای داوری می‌شود و گاه بر اساس ضوابط کارشناسی شده و مصوب. کارشناسان، ضوابط مختلف علمی، فنی، هنری، ویرایشی و استودیویی را دسته‌بندی کرده‌اند و کل اثر را بارم بندی و به هر قسمت و جنبه آن نمره می‌دهند. سر جمع آن نمره از حد نصاب بالاتر باشد، اثر خوب و به حد نصاب برسد، اثر را رد می‌کنند.

دفتر فرهنگ دو خط تولید برای کتاب گویا دارد. یکی به روش متمرکز است که در خود دفتر مستقر است؛ خط دوم به شیوه واگذاری پروژه و نظارت توسط مدیر کارآمد و شایسته اجرا می‌شود. در خط یک، تلاش هست کتب فاخر کار شود و همه ضوابط کیفی مراعات شود. از اینرو سه نفر به عنوان کمیته ارزیابی، تمامی تولیدات کتاب گویا را چک کرده و نظر می‌دهند. اما برای خط دوم به دستور مسئولین چند شاخص ملاک ارزیابی و داوری است: مفهوم بودن، اغلاط نداشتن (منظور اغلاط زیاد و فاحش است)، بدآموزی نداشتن یعنی اغلاط آنقدر زیاد باشد که واژگان را اشتباه جا بیندازند، گوش خراش نباشد و گوش‌نواز باشد. بالاخره در خط دوم، سرعت مهم است، زیرا نیاز و تقاضا برای کتاب گویا زیاد است و باید به سرعت تولید و در اختیار کاربران گذاشته شود. از اینرو به حداقل معیارهای کیفی اکتفاء شده است.

*** آقای حسینی امین جناب‌عالی که با اقشار مختلف مردم ارتباط دارید آیا از نظر اجتماعی می‌توان ضرورت کتاب گویا را بررسی و تحلیل کرد؟**

معلولین در یکصد سال اخیر تحولات گوناگون داشته‌اند. در یکصد سال قبل معلولین هیچ شأنی نداشته و در جامعه جایگاه نداشتند. برخی مردم حتی مسلمانان معتقد بودند



آنان به دلیل گناه یا مشکلات نفسانی نقصان پیدا کرده‌اند. این دیدگاه که آنان درمان شوند اصلاً وجود نداشت. نیز این دیدگاه که معلولین تربیت‌پذیر می‌باشند وجود نداشت. به جای آن دیدگاه‌های اساطیری مثل اینکه معلولیت را نتیجه حلول شیطان و حلول جنّ در روح یا تن انسان می‌دانستند. معلولین را اساساً انسان ندانسته و او را ثمره ارواح خبیثه یا نظریه‌هایی چون تناسخ ارزیابی می‌کردند. اگر این نظریات پذیرفته شوند، تعلیم و تربیت معنایی نخواهد داشت و کتاب گویا هم بی‌فایده است.

کسانی چون جبار باغچه‌بان بسیار تلاش کرد تا پدر و مادران معلولین را متوجه کنند که فرزندان شما انسان هستند و قدرت سواد و خواندن و نوشتن دارند. مرحله دوم که با تأسیس مدارس شبانه‌روزی و حرفه‌آموزی برای معلولین آغاز شد، آنان با گذران تحصیلات متوسطه و فراگیری روش‌های ارتباط با جامعه، اشتغال و کسب درآمد وارد مرحله جدیدی به لحاظ اجتماعی شدند که بسیار مهم بوده است.

معلولین در مدارس شبانه‌روزی در کنار گروه‌های همسالان و مربیان و بعد از آن وارد شدن در عرصه‌های اجتماعی و حضور در کنار اقشار مردم و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و شرکت در رخدادهای سرنوشت‌ساز تحول اساسی پیدا کردند.

مرحله بعد که در چهار دهه اخیر جهش سراسری و گسترده داشته است. با ورود معلولین به دانشگاه و تحصیلات عالی و حضور در پژوهشکده‌ها، آنان به بالاترین مرحله از بلوغ اجتماعی رسیده‌اند. ما به لحاظ روان‌شناختی و جامعه‌شناسی، باید برای چنین طبقه و قشری از جامعه کتاب گویا تولید کنیم. یعنی نخست باید کاربران و مصرف‌کنندگان کتاب گویا را بشناسیم. بدون شناخت دقیق این جامعه، هر گونه تولیدی برای آنها ابتر و عقیم است. چه نیازهایی دارند؟ دغدغه‌های آنها چیست؟ روحیات آنها کدام است؟ پس از به دست آوردن شناخت لازم می‌توانیم تولیدات مناسب آنها در زمینه کتاب گویا داشته باشد.

* جنابعالی روحانی و ملبس هستید و به تبلیغ مشغول می‌باشید و تجربه لازم در زمینه تأثیر روحانیون در فرهنگ‌سازی دارید. اولاً آیا روحانیت از تمام ظرفیت‌هایش برای سامان‌دهی فرهنگی معلولین استفاده می‌کند؛ ثانیاً چه کاستی‌هایی هست و باید چکار کرد؟

به نظر می‌رسد مقوله فرهنگ‌سازی و تعمیم فرهنگ

مطلوب و فرهنگ مورد نظر قرآن و سنت معصومین بسیار مهم است. رسول خدا به معلولین بسیار احترام می‌گذاشت و بر رعایت حقوق آنان تأکید می‌ورزید. آنان را انسان‌هایی چون دیگران می‌پنداشت. به همین دلیل به آنها مسئولیت می‌داد، به آنان پست‌های مهمی واگذار می‌کرد و از آنان هم تعهد و کار می‌خواست، درست مثل دیگران.

رسول خدا(ص) وقتی می‌خواست به جنگ بدر و چند جنگ دیگر برود عبدالله بن ام‌مکتوم که در خردسالی نابینایی مطلق شده بود را به عنوان نماینده و جانشین خودش در مدینه تعیین کرد. وقتی از جنگ برمی‌گشت گزارش امور را از او می‌خواست. او به عنوان مؤذن صبح خودش انتخاب کرده بود. مؤذن صبح بسیار مهم بود یعنی مردم با صدای او از خواب برخاسته و پس از عبادت زندگی و کار را شروع می‌کردند. یعنی صدای او، بانگ آغاز کار و سازندگی بود.

اما متأسفانه خود روحانیون هم توجه نیستند. به نظر می‌رسد مسئولین حوزه علمیه باید برای روحانیون جلساتی برپا کنند و به آنان آموزش بدهند و روحانیون از ظرفیت منبر و ایام محرم و صفر استفاده کرده و به فرهنگ‌سازی بپردازند.

* آقای روحانی صدر، یک نظریه درباره معلولین اینست که ریشه همه کاستی و مشکلات به جامعه معلولین بر می‌گردد. برای نمونه در زمینه کتاب گویا، چون خود روشندان از مدیران و مسئولان فرهنگی جامعه چیزی مطالبه نکرده و بر مطالبات خود پافشاری نکرده‌اند، کتاب گویا در نهادهای کلان فرهنگی کشور مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدون متولی رها شده است، ضابطه ندارد؛ و قوانین در این زمینه مترقی نیست. نظر شما چیست؟

در جوامع مدنی، NGOها رُل و نقش اصلی را بر عهده دارند. اما در جوامع عقب مانده به هر اندازه عقب مانده باشد، NGOها هم حضور کم‌رنگ‌تر دارند. مطالبات و خواستن‌ها از طریق تشکل‌ها سامان می‌گیرند. افراد به تنهایی و بدون پشتیبانی تشکل‌ها اقتدار و قدرت و نیز امکانات برای پی‌گیری مطالبات ندارند. پس تشکل‌ها اصل و اساس جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند. وقتی تشکل‌ها شکل گرفت، نیروهای پراکنده تجمیع و بسیج می‌شوند و تبدیل به یک اقتدار می‌شوند، این اقتدار جمعی می‌تواند حرکت ایجاد کند، می‌تواند مدیریت کلان جامعه را متحرک سازد و وادار به اجرای خواسته‌های



گذاشتیم، از کبر و غرور، از استبداد رأی دوری گزیدیم و تلاش کردیم با هم اقتدار واحدی را تشکیل بدهیم. به همین دلیل بوده که ظرف حدود بیست ماه چهار هزار ساعت تولید کتاب گویا داشتیم؛ آن هم با کیفیت مطلوب. آن هم کارهایی مثل المیزان یا نشریه آینه پژوهش که یک پروژه آن به اندازه یکصد کتاب معمولی است.

خدمت همه دوستان این دفتر و دیگر روشندان و معلولان بگویم از یکصد سال اخیر درس و عبرت بگیریم، دهها مؤسسه و تشکل ایجاد شد ولی با اخلاقیات مذمومی که حاکم بود و هر کس به فکر منافع شخصی خودش بود، نتوانستند تداوم پیدا کنند، نیز تأثیر و سودمندی هم نداشتند و نتوانستند آثار مفید تولید کنند. ما باید از جناب سید جواد شهرستانی بیاموزیم ایشان با سعه صدر و اخلاق حسنه توانسته است در سراسر جهان هزاران اثر سودمند داشته باشد، صدها مؤسسه را هدایت و به سامان رسانده است. ما هم می‌توانیم اما باید با کمک یکدیگر، با مشورت یکدیگر و با بردباری و مدارا، تشکل خود را توسعه دهیم و با تحمل و صبر کتاب گویا و دیگر پروژه‌ها را اجرا کنیم.

مسأله فرهنگ‌سازی که دوستان فرمودند نخست باید بین خود روشندان و در مؤسسات خودمان اجرا گردد. راه کار ساده‌ای هم دارد و آن اینست: گفتگو بر سر مسائل مهم، دوری از استبداد رأی، گسترش سعه صدر و مدارا. این سه نکته موجب فرهنگ سازنده بین خودمان می‌شود.

* آقای سعید محمدیاری شما علاوه بر ویرایش فنی به تلفن‌های کاربران درخواست کنندگان هم پاسخ می‌دهید چه نکته مهم و جالبی تاکنون دیده و شنیده‌اید؟

افرادی که تماس می‌گیرند و مثلاً می‌گویند آیا فلان کتاب را گویا کرده‌اید یا فلان کتاب گویا را دارید؟ وقتی جواب می‌دهم داریم بسیار خوشحال شده و از خوشحالی گاه فریاد می‌زنند. گاه سرنوشت زندگی یک فرد به چند کتاب

جامعه روشندان از جمله تولید کتاب گویا نماید. من به عنوان یک نابینا که سوابق بسیار در عرصه فعالیت‌های فرهنگی دارم، صریحاً می‌گویم: متأسفانه جامعه نابینایی در ایران دارای تشکل‌های فعال و پویا نیست و تشتت تفرقه شکننده بر این جامعه متولی و حاکم است. به همین دلیل این جامعه با نواقص و کمبودهای فراوان مواجه است. تا وقتی اینگونه است وضعیت مقوله‌هایی مثل کتاب گویا هم بهتر از این نیست.

* در عرصه کتاب گویا، مهم‌ترین اولویت‌های کتاب گویا از نگاه خواست عمومی روشندان چیست؟

تجربه‌ها و دستاوردهای خوبی در دفتر فرهنگ معلولین به دست آمده است. قدم نخست اینست که این تجارب را توسعه دهیم، اما چگونه؟ نخست تمامی کسان و مؤسساتی که در قم کتاب گویا می‌کنند را شناسایی و دعوت کنیم؛ در قدم بعد از دیگر شهرها و استان‌ها جذب کنیم و یک تشکل فراگیر ایجاد کنیم.

این تشکل با جلسات و گفتگو و شناسایی راه‌کارها و روش‌های جدید می‌تواند گام‌های بلندی برای توسعه کتاب گویا بردارد. به ویژه با ارتباط با مسئولین و مدیران فرهنگی و اصرار خواسته‌ها و نیازها، حتماً به نتیجه می‌رسیم.

* جناب آقای حسن رضایی شما در زمینه تشکل روشندان هم گویا نظریاتی دارید؟

من با نظریات دوستان کاملاً موافق هستم. یک نمونه عینی همین دفتر فرهنگ است. این تشکلی است که جمعی از معلولین با پی‌گیری‌های فراوان ایجاد نمودند. با همفکری و مشورت با یکدیگر متوجه شدیم، حاج آقا شهرستانی انسان والامقامی هستند و مساعدت می‌کنند. رفتیم، صحبت کردیم، بالاخره دفتر راه‌اندازی شد. اما در زمینه‌های دیگر هم با تعامل و همفکری به نتیجه و هدف رسیدیم. در همین زمینه کتاب گویا، یک خط تولید وجود داشت و مشاهده شد یک خط کم است و یک خط دیگر راه انداختیم. گاه برای دریافت امکانات بیش از ده بار مراجعه کردیم؛ از حرف‌های درشت، طعنه‌ها و کنایه‌ها نترسیدیم، جلو رفتیم و حتی گاه فحش خوردیم و همواره رو به جلو بوده‌ایم. در بین خودمان هم با گفتگو و منطق مشکلات را رفع کردیم.

مهم برای ما پیشبرد پروژه و رسیدن به اهداف برای توسعه کتاب گویا بود. لذا سود شخصی و منافع شخصی را کنار





گویا بستگی دارد. یعنی چند کتاب اگر وجود داشته باشد می‌تواند در امتحان کارشناسی ارشد یا دکتری قبول شود ولی اگر نباشد سرنوشت این فرد یکصد و هشتاد درجه تفاوت می‌کند.

اگر آقای شهرستانی و آقای نجف بدانند، نابیناها چه اندازه قدر و ارزش این کارشان را می‌دانند و از آنها تشکر می‌نمایند. اینها هم مثل دیگر دفاتر مراجع می‌توانستند از ما نابیناها حمایت نکنند و ماهانه هزینه‌ها پروژه‌های ما را ندهند ولی با بزرگواری و کریمانه حمایت می‌کنند. البته روشندان و دیگر معلولین گاه طلبکارانه برخورد می‌کنند. این اخلاق بسیار مذموم است. ما اگر متشکر حاج آقا شهرستانی و معاونان و همکاران ایشان باشیم، اخلاق اسلامی را رعایت کرده‌ایم چون من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق.

*** آقای حسن عبدلی به نظر شما چشم انداز آینده در زمینه کتاب گویا در ایران برای نابیناها چیست؟ شما چه تصویری از آینده دارید؟ خوشبین هستید یا بدبین؟**

آینده بستگی به فعالیت و تلاش ما دارد؛ اگر با همدلی کار کنیم، راه‌های برون رفت از مشکلات را شناسایی کنیم و تکنولوژی جدید را بومی کرده و اجرا نماییم، قطعاً موفق می‌شوم. بنده به عنوان مدیر کتابخانه نابینایان آیت الله خامنه‌ای می‌توانم با شما دفتر فرهنگ معلولین وابسته به دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی اشتراک مساعی داشته، کارها را با تعاضد و مساعدت یکدیگر جلو ببریم. در این صورت موفقیت قطعی است. البته اگر دیگر مؤسسات هم متحد شویم، کارآیی ما چند برابر خواهد شد.

اما اگر تک‌روی، استبداد داشته باشیم، به نظر دلسوزان توجه نداشته باشیم، قطعاً به نتیجه نمی‌رسیم و کارها تدوام پیدا نمی‌کند. البته در طول دو سه سالی که من با دفتر فرهنگ همکاری کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که مدیریت دفتر علاوه بر دیدگاه‌های مطلوبی که دارند سعه صدر و تحمل آراء دیگران و کار با دیگران را هم دارند و موفقیت‌ها نتیجه به همین نکته است.

*** خانم اعظم قاسمی مدیر کتاب بریل است ولی با بخش کتاب گویا هم در دفتر فرهنگ همکاری دارد؛ شما الآن مشغول پروژه قرآن بریل هستید می‌توانید توضیح دهید؟** قرار است برای کتابخانه‌های ملی و مهم کشورها یک نسخه قرآن بریل همراه با CD گویای قرآن ارسال کنیم.

هدف آنست که نابینایان در هر کشور حداقل قرآنی برای قرائت و مطالعه در اختیار داشته باشند. البته این پروژه بیشتر نمادین است و موجب می‌شود بستر مناسب برای توسعه قرآن در کشورها فراهم آید. پادشاه عربستان ملک فهد و پادشاه اردن قرآن بریل را برای کشورها ارسال کرده‌اند ولی آن قرآن‌ها اغلاطی دارد.

مدیریت دفتر گویا درصدداند پس از آماده شدن قرآن‌های چند کشور مراسم رونمایی برگزار شود و با شرکت مقامات فرهنگی و علمی و کشوری و حوزوی رونمایی شود و بتوانیم جهان را متوجه این قرآن نماییم. اگر مسئولین موسسه آل‌البیت(ع) حمایت کنند، دو ماه آینده این قرآن‌ها آماده ارسال خواهد شد.

*** به نظر شما تأثیر این پروژه و پیامدهای آن چیست؟**

گاه بعضی با نگاه حقارت و تحقیر به معلولین نگاه می‌کنند و هر کاری که در ارتباط با معلولین است کوچک می‌شمارند. این افراد اطلاع ندارند که کلیسا در غرب با استفاده از نبوغ معلولین، خط مشی و اهداف خود را عملی کرده است. اگر معلولین را از فرهنگ و تمدن بشری کنار بگذاریم، چیزی باقی نمی‌ماند. برق را ادیسون ناشنوا اختراع کرد، در اسلام راویان و مؤلفان بسیاری هستند که نوعی معلولیت داشته‌اند. اگر فعالیت‌های آنان را کنار بگذارید، چیزی باقی نمی‌ماند. رسول خدا(ص)، عبدالله بن ام مکتوم که در کودکی نابینای مطلق شده بود را مأموریت‌های مهمی داده است. ابن سعد در کتاب طبقات کبری گزارش کرده که در ۱۲ جنگ مهم وقتی رسول خدا(ص) خواست به جبهه برود، ابن ام مکتوم را به جای خودش در شهر مدینه منصوب می‌کرد. به قول امروزی‌ها او قائم مقام رسول خدا(ص) در پایتخت ام القرای جهان اسلام می‌شد.

همچنین او مؤذن صبح رسول خدا(ص) بود و مردم با صدای او روز را شروع می‌کردند؛ وقتی رسول خدا(ص) با عده‌ای از بزرگان و اشراف در گوشه‌ای نشستند و جلسه داشتند و ابن ام مکتوم وارد شد و چون چشمش نمی‌دید سروصدا می‌کرد. آن جمع هم جوابش را نمی‌دادند حتی یکی از افراد آن جمع با ناراحتی از او روی برگرداند. درست مثل کسانی که امروزه با ترش‌رویی و سردی و تحقیر با معلولین و امور آنها برخورد می‌کنند. خداوند آیات سوره عبس را بر رسول خدا نازل کرد و اینگونه موضع‌گیری‌ها نسبت به ابن ام مکتوم را با عتاب و با شدت نفی و نقد کرد.

کتاب: گویا: گذشته، حال، آینده
نشست و گفتگو



نویسد بلکه با گفتن و ضبط آنها، مجموعه جملات و پاراگرافها و صفحات ملفوظ را روی CD یا کاست یا فلش دیسک عرضه می‌کند. این کتاب ملفوظ، اصطلاحاً کتاب شفاهی می‌نامند. گاه کتاب شفاهی را پیدا کرده و تبدیل به نوشتار و متن کتبی می‌نمایند و در قالب کتاب منتشر می‌نمایند.

متأسفانه به کتاب شفاهی در جامعه نابینایان کمتر توجه شده است با اینکه ظرفیت دارد بسیاری از نیازهای این جامعه را مرتفع نماید. نابینایان چون حس بینایی ندارند، لذا توانایی نوشتن به روش معمولی را ندارند. اما آنها می‌توانند به جای نوشتن، یافته‌های علمی و دانسته‌های خود را بگویند و از طرف حامل‌های شنیداری - گفتاری مثل CD یا فلش دیسک به دیگران منتقل شود و دیگران از آن استفاده کنند.

به نظر می‌رسد با توسعه فناوری کتاب شفاهی، نابینایان می‌توانند مشکلات موجود را کلاً رفع کنند. یعنی کلاً کتاب و کتاب کاغذی و نوشتاری را از فرهنگ خود کنار گذاشته و لفظ و گفتار را به جای کتابت و نوشتن بگذارند.

*** خانم منصوره ضیائی‌فر چرا در طول تاریخ به کتابت و کتاب اهمیت بیشتر از لفظ و تلفظ داده شده و در تمدن‌های مختلف تلاش بشر برای سامان‌دهی و پیشرفت در عرصه لفظ نمی‌بینیم؟**

از قرن‌ها قبل گفته شده هر شیئی که در نظر بگیرید چهار وجود می‌تواند داشته باشد. مثلاً این میز یا این صندلی چهار نوع وجود دارد: خارجی (عینی)، ذهنی، لفظی و کتبی.

میزی که در خارج وجود دارد، وجود عینی آن است. اما این میز تصویری هم در ذهن ما دارد آن تصویر را وجود ذهنی می‌نامند، همچنین لفظ م ی ز که تلفظ می‌شود و دیگران می‌شنوند، وجود لفظی و نوشته م ی ز روی کاغذ، وجود کتبی می‌نامند. در دهه‌های اخیر این تقسیم چهار لایه را درست ندانسته و معتقداند هر شیئی غیر از چهار نوع وجود فرق، وجود الکترونیک که در کامپیوتر وجود دارد، وجود فوتون‌های نوری که در تلویزیون هست؛ وجود موجی که در رسانه‌های ماهواره‌های مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ وجود الکتریسته‌ای یا وجود تلفنی که در خطوط تلفن استفاده می‌شود. اینها هم وجودات دیگر از یک شیء است. غیر از اینها وجود وحیانی یک شیء یعنی میزی که خداوند از طریق وحی بر قلب رسول خدا(ص) نازل می‌کرده قطعاً غیر از دیگر وجودات است.

امروزه هم ما باید کسانی که امور معلولین را سبک می‌شمارند را با عتاب و شدت نفی و نقد کنیم. و به آنان یادآور شویم که معلولین چشم و چراغ هر جامعه‌اند، سرمایه ملی جامعه‌اند، برکت جامعه‌اند. مخصوصاً در جوامع دینی باید به امور آنها اهتمام داشته باشیم.

*** آقای سید مجید شهرستانی شما که سالهایی در اروپا بوده‌اید آیا خاطره‌ای درباره تشکل معلولین دارید؟**

در کشورهای اروپایی معلولین انواع NGOها را دارند. این تشکل‌ها از حقوق آنها دفاع کرده و از تضییع حقوق آنها جلوگیری می‌کند. در عرصه کتاب گویا تشکل می‌تواند، روش‌های بسط و توسعه کتاب گویا را شناسایی کند. درآمد کسب کند، مسئولین و مدیران دولتی را متوجه امور آنها کند.

*** منظور شما از بسط و توسعه دقیقاً چیست؟**

توسعه چند گونه است: بسط اجتماعی، بسط علمی، بسط نوعی و بسط فنی مهم‌ترین انواع کتاب گویا است. بسط اجتماعی یعنی کتاب گویا علاوه بر نابینایان در لایه‌ها و اقشار دیگر جامعه توسعه دهیم؛ اما بسط علمی یعنی منابع رشته‌های مختلف و شعبه‌های علوم گویا شود؛ بسط نوعی شامل گویاسازی انواع منابع مثل نشریات، کتب، پایان‌نامه‌ها، درس‌ها و غیره است؛ بسط فنی یعنی شیوه‌های فناوری را در کتاب گویا توسعه داده شود.

*** مسئولیت هماهنگی بین دو خط تولید کتاب گویا و نیز ایجاد هماهنگی بین مدیریت تولید گویا در خط یک و خط دو را بر عهده دارند؛ وظیفه شاق و صعب، در این باره چه دستاورد و تجربه‌ای دارید؟**

مدیران دو خط تولید کتاب گویا با تشکیل جلسات مشترک، انتقال تجارب و نیز از طریق گفتگو به حل مشکلات پرداختند. این رویه ارزش فراوان دارد و قابل توسعه به پروژه‌های دیگر است و کل تشکیلات را می‌توان بر اساس این الگو اداره کرد.

*** آقای حسینی امین، تفاوت کتاب گویا Talking Book و کتاب شفاهی Interpreting the Book در چیست؟**

از نظر نوع پژوهش و تألیف دو نوع کتاب هست: کتابی هست که مؤلف پس از پژوهش به تألیف می‌پردازد و آن را می‌نویسد. اما پژوهشگر می‌تواند یافته‌های خود را



اما چرا در طول تاریخ به وجود کتبی بیش از وجود لفظی توجه شده است؟ پاسخ آن روشن است چون وجود کتبی ماندگاری دارد. اما وجود لفظی با گفتن و شنیدن از بین می‌رفت و دوام نداشت اما وقتی کلمه می‌شود روی پوست نوشته می‌شد یا روی سنگ حک می‌شد، دوام و ماندگاری داشت.

این واقعیت‌ها مربوط به گذشته است ولی امروزه هیچ فرقی بین وجود کتبی و وجود لفظی از نظر ماندگاری و دوام نیست. چه لفظ می‌شود روی یک فلش دیسک یا CD بخوانیم یا کلمه می‌شود روی کاغذ بنویسیم هر دو دوام خواهد داشت. کلمه می‌شود روی کاغذ می‌نویسیم می‌توان با حس بینایی آن را دید و خواند و لفظ می‌شود روی CD می‌خوانیم می‌توان با استفاده از حس شنوایی شنید.

بنابراین از هر نظر تفاوت جدی و اساسی بین می‌شود نوشته شده و می‌گفته شده (می‌مکتوب و می‌ملفوظ) وجود ندارد. اولی برای کسانی که حس بینایی دارند مطلوب است و دومی برای کسانی که حس شنوایی و گویایی دارند، قابل استفاده است. فکر کنم مؤسسه‌های نابینایی باید در این زمینه اقدامات و ابداعات جدی داشته باشند و از شنوایی و گویایی بیشتر بهره‌گیری کنند و آن‌را جایگزین نوشتار نمایند. البته مخترعین درصدد کشف حس‌های دیگر هم هستند تا به جای شنوایی برای ناشنویان و به جای بینایی برای نابینایان استفاده شود.

*** آقای محمدیاری، برای نابینایان، لامسه هم اهمیت دارد و می‌تواند از طریق این حس به کسب علوم بپردازند؟**

چند مشکل در لامسه و در پی آن بریل هست که کارشناسان در پی رفع این مشکلات می‌باشند. یک مشکل مهم عدم استقلال نابینایان است. یعنی فرد بینا و سالم باید دخالت کند و متن نوشته شود، آنگاه فایل آن متن تبدیل به بریل و بریل به صورت کتاب یا جزوه در اختیار روشندان قرار گیرد. اگر بشود این واسطه‌ها حذف شود و خود نابیناها فایل کتابی را روی صفحه کلید (کی‌برد) برجسته‌ساز مطالعه کنند یا فایل کامپیوتری را خودشان تبدیل به بریل نمایند بسیار سودمندتر است.

*** آقای علی نوری، درباره اطلاع‌رسانی کتاب گویا وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

وضعیت اطلاع‌رسانی برای معلولین بسیار ضعیف است. در

قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳ آمده که اطلاع‌رسانی معلولین باید توسط نهادها و سازمان‌های مربوط جدی گرفته و سامان‌دهی شود. اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیاد است. رسانه ملی، چقدر به خبررسانی معلولین توجه می‌کند؟ نشریات اطلاع‌رسانی بسیار کم داریم، اولین نشریه اطلاع‌رسانی جامع همین توان‌نامه است.

*** یک رسانه اطلاع‌رسانی در زمینه کتاب گویا چه کارهایی باید انجام دهد؟ وظایفش چیست؟**

انتقال تجارب و دستاوردها از جهان پیشرفته به داخل و تلاش برای بومی‌سازی مهم‌ترین وظیفه است. اما دیگر کارهای رسانه‌های اطلاع‌رسانی عبارت‌اند از: آثار تولید شده اگر به خوبی و به موقع اطلاع‌رسانی شود از تکرار کارها پیشگیری می‌شود. گاه یک کتاب را چند مؤسسه گویا کرده‌اند با اینکه آثار ضروری کار نشده است.

اطلاع‌رسانی در زمینه ابزارها، روش‌ها و برنامه‌های جدید ضرورت جدی است. نیز اطلاع‌رسانی در زمینه نیازهای موسسه‌های مولد مثل نیاز به گوینده مهم است. به هر حال اطلاع‌رسانی ابعاد متنوع و متکثر دارد. نیاز است یک ویژه‌نامه و یک میزگرد خاص اطلاع‌رسانی باشد.

*** به نظر می‌رسد یکی از محاسن کتاب گویا تعداد و تنوع شیوه‌های استفاده از کتب گویا است؟**

بله کتاب گویا را از طرق مختلف می‌توان به دست آورد و امکانات استفاده از آن هم متنوع است. مهم‌تر اینکه همه این شیوه‌ها رواج دارد و کاربر با مبلغ اندکی می‌تواند آنها را تهیه کند. رایج‌ترین امکانات استفاده کتاب گویا، MP۳، CD یا DVD و هارد دیسک است. غیر از آن قرار دادن

کتاب‌های گویا در برنامه‌هایی ویژه و آنلاین بر روی اینترنت و برای انواع موبایل‌ها و تبلت‌ها است. دفتر فرهنگ در حال بررسی و کارشناسی همه این امکانات است تا بلکه بتوانیم



همه آنها یا اکثر آنها را برای عزیزان معلول فعال کنیم.

* آقای شهرستانی می‌داند که پروژه‌هایی مثل کتاب گویا هزینه‌بری بسیار دارد و مناسب است مردم نیکوکار به کمک بشتابند اما به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی‌ها نتوانسته پشتیبان‌های مناسب برای کتاب گویا پیدا کند؟

اطلاع‌رسانی کارآمد می‌تواند افراد متمول و افرادی که امکانات دارند را توجیه کند تا به جای وقف سرمایه خود برای اموری که اصلاً نیاز نیست، مثلاً استودیو وقف کنند یا مثلاً موقوفه‌ای برای اداره یک پروژه کتاب گویا اختصاص دهند.

نیز با اطلاع‌رسانی می‌توان مدیران ارشد را توجیه کرد، اساساً برخی معاونان وزراء نمی‌دانند کتاب گویا چیست. حتی اطلاع‌رسانی می‌تواند پشتیبان‌هایی را متقاعد کند تا برای عموم جامعه کتاب گویا کنند.

* خانم ضیائی‌فر، در زمینه فرهنگ‌سازی چه کارهایی شده و چه کارهایی نشده و چه تحلیل و ارزیابی از این آثار دارید؟

از آثاری که درباره کتاب گویا منتشر شده پیدا است که نه عموم مردم و نه نخبگان و نه مدیران هیچکدام در این زمینه فعال نبوده‌اند. یعنی عموم مردم و اقشار خاص تلقی خاص و اطلاعات توجیهی از کتاب گویا ندارند. نمی‌دانند چه فوایدی دارد؛ چگونه تولید می‌شود؛ مراحل تولید آن چیست؛ مؤسسات تولید کننده کدامند؛ و ...

به نظر می‌رسد با تبلیغات، با انتشار چند کتاب پالتویی و چند کتاب گویا در دفتر فرهنگ این پروژه را به همگان معرفی کرد و افراد خاص مثل مدیران را تشویق به پشتیبانی و حمایت نمود.

* آقای رضایی روش‌های دیگر برای جامعه‌پذیری و بسط اجتماعی کتاب گویا می‌شناسید؟

اگر یک روز در سال به نام کتاب گویا و یک روز به نام کتاب بریل مصوب شود. یعنی در هفته پژوهش یا روز جهانی نابینایان، یک هفته شود و هر روز به یک چیز اختصاص یابد. در این روز سخنرانی‌ها، نشریات و روزنامه‌ها مصاحبه و مقاله و گزارش خواهد داشت و موجب توسعه کتاب گویا می‌شود.

در رادیو یک شبکه و در تلویزیون هم یک شبکه ویژه کتاب گویا باید فعال گردد. فیلم و کلیپ‌های متنوع ساخته شود.

نهادهایی مثل اوقاف در روز وقف به این مسأله بپردازند. وزارت ارشاد ناشران و نشریات را موظف کند تا همراه نشریه و کتاب، نسخه گویایی هم عرضه شود. نویسنده یا خود ناشر گویا و عرضه کنند.

* آقای عبدلی رادیو کتاب هست ولی عملاً برای کتاب گویا برنامه‌های جدی ندارند؟ شما که آشنایی دارید چه تحلیل دارید؟

برای رادیو کتاب باید فکر جدی داشت به نظر می‌رسد مشکل اصلی نداشتن محتوا و نداشتن مدیر و مجری خوب است. راه کار آسان اینست و به راحتی می‌توان کارایی این شبکه را بالا برد. مثلاً مدیریت صدا و سیما می‌تواند از مؤسسات معلولین کمک بخواهد و از این طریق این رادیو فعال شود. اما متأسفانه مدیریت این شبکه، مشورت نمی‌گیرد، مطالعه و کارشناسی ندارد. به هر حال ابتدا مدیریت شبکه باید به اصلاح امور بپردازد.

* آقای اباذر نصر شما درباره آثار کتاب گویا کار کرده و گویا؛ نظر خاصی دارید؟

هر آنچه درباره کتاب گویا منتشر شده را گرفتم و دسته‌بندی کردم. آمار اینگونه است: غیر از یک مقاله از خانم لیلا مکتبی‌فرد با عنوان «تصویری گویا از کتاب گویا» هیچ مقاله علمی در این باره وجود ندارد. حدود ده تا بیست عنوان گزارش و مقالات کوتاه خبری یا توصیف کتاب هست که از نظر محتوایی ارزش بالایی ندارند.

نیز سه میزگرد و مصاحبه با متخصصین کتاب گویا منتشر شده که از هر نظر ضعیف است. زیرا تهیه کننده اطلاعات عمیق در این باره ندارند. اما در فرهنگ انگلیسی زبان‌ها پایان‌نامه، مقاله و کتب سودمندی هست.

* خانم قاسمی، بعضی معتقدند راه حل برای مشکلات و رفع نواقص کتاب گویا اینست که مثل کتاب کاغذی عموم مردم مصرف کنند. وقتی همه مصرف کننده شدند و تقاضا بالا رفت مسئولین و مدیران دولتی هم به فکر تولید و توسعه می‌افتند. اما پس از توسعه، روشندان هم استفاده می‌کنند؟

کتاب گویا هدیه جامعه روشندان به عموم مردم است یعنی ابتدا برای این قشر تولید شد و بعداً عموم مردم هم استفاده کردند. مثلاً گفته می‌شود شیر خشک نخست برای کودکان تولید شد بعداً عموم مردم از آن استفاده



کردند و الآن در کیک‌پزی، در بیسکویت‌سازی و در بسیاری از پروژه‌های عمومی استفاده می‌شود. این هم درست است که اگر تعمیم پیدا کند، نواقص آن رفع می‌شود، بودجه کلان برای آن تصویب

می‌کنند و بالاخره رونق پیدا می‌کند. اما به نظر می‌رسد به هر دو شیوه باید بها بدهیم. یعنی مدیریت فرهنگی، کتاب گویا را در بین عموم مردم باید گسترش دهد، نیز ابتدا برای روشندان تولید شود سپس برای عموم توسعه داده شود.

*** آقای نصر چه روش‌هایی برای عمومی‌سازی کتاب گویا سراغ دارید؟**

اگر فوائد کتاب گویا برای مدیران فرهنگی و ناشران مطرح شود و آنان توجیه شوند، استقبال بسیار زیاد می‌شود. در شرایط کنونی که کاغذ بسیار گران است و تمامی جنگل‌ها در حال تبدیل به کاغذ است، نیز هزینه‌های فیلم و زینک و چاپ سنگین است. اما همه هزینه‌ها در کتاب گویا بسیار کم می‌شود، بالاخره اگر عموم مردم و مدیران توجیه شوند، به کتاب گویا استقبال نشان خواهند داد.

*** خانم مریم هامونگرد یک دیدگاه هست که شیوه کنونی در انتخاب متون برای گویاسازی را غلط می‌داند. هم اکنون اینگونه عمل می‌شود: موضوعی تحقیقی و برای همگان تألیف می‌شود، آنگاه مؤسسه‌های نابینایی آن متن تألیفی را تبدیل به کتاب گویا می‌کنند. بعضی این شیوه را غلط دانسته و معتقدند متن و حتی پژوهش باید برای نابینایان تألیف شود، آنگاه برای آنان هم گویا شود. نظر شما درباره این دو دیدگاه چیست؟**

دو دیدگاه هست عده‌ای می‌گویند تألیفات همگانی، دغدغه‌ها و حساسیت‌های نابینایان را منظور نکرده؛ به همین دلیل برای آنان سودمند نیست. اما عده‌ای می‌گویند تفاوتی بین نابینا و غیر نابینا نیست و همه می‌توانند از متن تألیف شده استفاده کنند.

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه افراطی است و باید به دیدگاه میانه فکر کرد. دیدگاهی که واقع‌گراتر است و می‌گوید بعضی متون تألیف شده برای قشر نابینا سودمند نیست یا بخش‌هایی از آن سودمند نیست. آثاری که بخش‌هایی از آن سودمند نیست، همان قسمت‌ها بازنویسی و ویرایش

می‌شود. سپس گویا می‌شود. البته اگر کل متن سودمند نباشد، باید به فکر متن جدید بود.

*** خانم هامونگرد بالاخره شما تحقیق و تألیف مستقل برای نابینایان را قبول ندارید؟**

کسانی که این راه‌کار را مطرح می‌کنند متوجه تألی فاسد و پیامدهای آن نیستند. اگر تمامی امور نابینایان را به بهانه اینکه می‌خواهیم متناسب با اقتضائات خودشان باشد، مستقل کنیم در واقع این قشر را از بدنه جامعه جدا و ایزوله کرده‌ایم. با اینکه همه تلاش و همه دغدغه ما اینست که معلولین را در جامعه مشارکت دهیم و می‌گوییم تفاوتی بین افراد عادی و افراد معلول نیست. یعنی بین آنها تفاوت و تمایز ذاتی و جوهری نیست. بلکه تفاوت‌های جزئی و کوچک هست که در عرصه عمل در نظر گرفته می‌شود یا مرتفع می‌گردد.

در عرصه متن‌گزینی برای گویاسازی، پرسش اینست که آیا همه متون برای نابینایان مفید است و می‌توان گویاسازی کرد؟ یا اینکه باید پژوهش مستقل و تألیف برای آنها انجام داد سپس گویا نمود؟

به نظر می‌رسد این پرسش در مورد همه اقشار مطرح است؛ مثلاً آیا همه منابع موجود برای دانشجویان پزشکی

سودمند است یا باید برای آنان مستقلاً کتاب نوشت؟ پاسخ واقع‌گرایانه اینست که تأسیس پروژه مستقل درست نیست بلکه آثار موجود بعضاً متناسب آنها است که استفاده می‌شود و بعضی متناسب آنها نیست کلاً یا بعضی بخش‌ها. و در عمل تدبیر خواهد شد.

*** آقای عبدلی در باب مجوز کتاب گویا، شما چه کارهایی انجام داده‌اید؟**

با اینکه چندبار اعلام شده که کتاب گویا برای نابینایان و کلاً امور معلولین از قانون کپی رایت استثناء است ولی هنوز دادگاه‌ها به شکایات ناشران و صاحبان آثار ترتیب اثر می‌دهند. خبرگذاری ایسنا به تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۲ اعلام کرد. تاکنون قانون حق مالکیت آثار چاپی یا قانون کپی رایت شامل افراد دارای اختلالات چشمی هم می‌شد اما با تلاش‌های وایپو (سازمان بین‌المللی مالکیت معنوی) این افراد استثناء شدند. در ادامه هم اعلام شد ایران هم مصوبه وایپو را امضاء کرده است. نیز در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳ جاهایی استثناء قائل شده است.



* مشکل کجا است؟

به نظر می‌رسد بین حقوقدانان و مجریان احکام و قوانین یعنی قوه قضائیه و دادگاه‌ها اختلاف هست. یک نظر اینست که هنوز ابلاغیه رسمی به مراجع رسیدگی مثل ناشران و دادگاه‌ها واصل نشده است و تا وقتی ابلاغ جدید نرسیده باید به قوانین سابق عمل کنند. عده دیگر این قضیه را عرف مسلم یا رویه متعارف جهانی می‌دانند. برای نمونه مواردی مثل احترام به حقوق دیگران یک عرف متعارف است و همه عقلاً و مردم آن را قبول کرده‌اند. اگر به دادگاه قانون و ابلاغیه واصل نشده باشد، باز بر اساس این تلقی عمومی می‌توانند عمل کنند. در مورد نابینایان همه دنیا قبول کرده‌اند که آثار فرهنگی باید رایگان در اختیار آنان باشد تا بتوانند با گویاسازی از آنها استفاده کنند. یعنی مساعدت به این قشر در دنیا و از جمله در ایران تلقی به قبول شده و دادگاه اساساً نیازی به دریافت ابلاغیه ندارد. بر اساس این تلقی عمومی می‌تواند اقدام کند.

مهم اینست که چند جلسه با حقوق‌دانان مبرز که خودشان هم نابینا باشند مثل دکتر علی صابری بگذاریم و مصاحبه‌ای با آنها داشته باشیم و تمامی این نکات را به آنان توضیح دهیم و نظر آنان را بشنویم و در اختیار عموم قرار دهیم.

* آقای علی نوری، آیا راه‌کار بدیل و جایگزین برای کتاب گویا هست؟

روشن‌دلان از کتاب بریل هم می‌توانند استفاده کنند. اما کتاب بریل به راحتی کتاب گویا نیست؛ زیرا حجم آن زیاد است مثلاً یک قرآن بریل شش جلد در قطع رحلی بزرگ و قطور خواهد شد؛ حمل و نقل آن مشکل است، کاربر باید حتماً زبان بریل را آموزش ببیند سپس می‌تواند استفاده کند، دسترسی آن در هر جا مشکل است ولی کتاب گویا در هر جا یافت می‌شود.

* آقای نصر کتب مرجع مثل مآخذشناسی کتب گویا چه وضعیتی دارد؟

اولین مآخذشناسی کتب بریل و گویا را کتابخانه ملی ایران در سال ۱۳۷۳ منتشر کرد. ولی تاکنون کارهای جامع و به روز کمتر داشته‌ایم. به همین دلیل اگر یک نفر بخواهد اطلاعات آثار گویا را داشته باشد به سختی می‌تواند پیدا کند. تحقیقات مبتنی بر مآخذشناسی مثل کتاب‌سنجی (ببلیومتریکس) هم در ایران اصلاً اجرا و عرضه نشده است.

بهرحال کتابهای مرجع مثل مآخذشناسی، فرهنگنامه و دانشنامه می‌تواند مبانی و زیرساخت‌های فرهنگی کتاب گویا را تقویت کند و کتاب گویا را به عنوان یک فرهنگ مطرح نماید ولی متأسفانه کار جدی نشده است. ما در دفتر فرهنگ از سال گذشته شروع کرده‌ایم. چند جلد مآخذشناسی فیلم معلولین زیر چاپ داریم، مآخذشناسی شخصیت‌های نابینا مثل علامه هبه‌الدین شهرستانی آماده شده، نیز در هر شماره مجله توان‌نامه حداقل یک مآخذشناسی داریم. در شماره قبل مآخذشناسی مناسب‌سازی را داشتیم. ولی در این زمینه خیلی کم کار شده و نیاز به بودجه و امکانات مستقل هست، اگر تأمین شود می‌توان ظرف دو سال به روز رساند.

* آقای عبدلی آیا آماری در زمینه کتاب گویا هست؟

ابتدا عرض کنم آمارها می‌توانند کار فرهنگ‌سازی و تعمیم اجتماعی کتاب گویا را گسترش دهند. برای نمونه اگر به مسئولین وزارت ارشاد گفته شود در ایران حدود یک و نیم میلیون نابینا داریم ولی در سال ۲۰۰ عنوان کتاب گویا هم تولید نمی‌شود یعنی هیچ تناسبی بین تولید کتاب گویا و جمعیت روشن‌دلان نیست. یا اگر با آمار ثابت کنیم که دقت مردم ایران در ماشین یا جاهای دیگر فراوان هدر می‌رود. مثلاً اگر در روز یک میلیون از مردم، ۳۰ دقیقه موسیقی گوش دهند یعنی هر سال هر روز ۳۰ میلیون دقیقه موسیقی گوش می‌دهند. اگر کتاب گویا به طور میانگین ۶۰۰ دقیقه باشد یعنی هر روز مردم ایران می‌توانند ۵۰۰۰۰ عنوان کتاب مطالعه کنند. لذا این روش بسیار به سرانه مطالعه کمک می‌کند.

بالاخره آمار زبان و منطق قوی و مستحکم برای اثبات خیلی نکات دارد. اما متأسفانه در ایران در زمینه کتاب گویا کم کار شده است.

* آقای شهرستانی دفتر فرهنگ معلولین در صدد دریافت فایل‌های متنی کتاب‌ها از مؤسساتی نظیر مؤسسه کامپیوتری نور بود، آیا پیشرفتی حاصل شده است؟

تاکنون چند جلسه با آنان داشته‌ایم. آنان مدعی هستند برای گنجینه‌ای که فراهم آورده‌اند هزینه‌های گزاف داشته‌اند و نمی‌توانند فایل‌ها را رایگان در اختیار بگذارند. استدلال ما این است که گویاسازی یک ضرورت برای هم نابینایان و هم عموم مردم است. این پروژه را با هم شروع می‌کنیم شما نیمی از راه رفته‌اید، نیمی از راه را هم ما انجام



می‌دهیم. محصول تولیدی را در بخش عمومی بفروشید یا رایگان پخش کنید. ما هم در نابینایان پخش می‌کنیم. اگر این مذاکرات به نتیجه برسد معنایش این است که ظرف یک دو سال متن تایپ شده هزاران کتاب را در اختیار خواهیم داشت که هم می‌توان آنها را بوسیله نرم افزارهای خودکار و رباتی گویا نمود و هم نابینایان بوسیله کامپیوتر خودشان می‌توانند متن‌ها را گوش دهند.

*** آقای علی نوری گویا مذاکراتی برای راه‌اندازی یک پروژه برای تبدیل دروس به کتاب گویا هست؟**

دفتر فرهنگ درصدد است درس‌هایی که استادان دانشگاه یا حوزه دارند را گردآوری و آماده سازی کند و به صورت کتاب گویا عرضه کند. مطالعات، رایزنی‌ها و کارشناسی‌هایی شده است اگر به نتیجه برسیم، امکان بزرگی برای روشندان فراهم می‌آید.

صرفاً نباید به یک مدل و شیوه برای تولید کتاب گویا فکر کرد؛ بلکه باید از انواع روش‌ها و ظرفیت‌ها کمک گرفت تا بتوانیم زودتر به نیازها پاسخ گوییم.

*** جناب آقای رضایی، یکی از نواقص مهم در فرهنگ و جامعه نابینایی، فقدان آرشیو کامل و جامع است. اگر این داوری را صحیح می‌دانید، چه راه‌کاری پیشنهاد می‌کنید؟**

اینجانب از ابتدا بارها گفته و تلاش بسیار داشته‌ام که همه آثار پراکنده را جمع‌آوری کنم. در شهرهای مختلف، آثاری گویا شده، حتی در خارج از کشور؛ برای مثال یک پروژه که گفته می‌شود توسط دانشگاه هاروارد اجرا شده و زبانش هم فارسی است، حدود بیست هزار ساعت و یک دوره تاریخ ایران و جهان است. البته همه آن را ندیده‌ام ولی به رغم مشکلاتی که حتماً دارد ولی به هر حال اثر قابل توجه است. دفتر فرهنگ معلولین باید از ظرفیت‌های ارتباطی خودش استفاده کند و این آثار را جمع‌آوری و به روش‌های علمی و نظام‌مند بایگانی و نیز سرویس‌دهی نماید. برای نمونه یک پروژه در تهران اجرا شده و حجم آن چهارصد سال آثار فقهی شیعه به زبان عربی و فارسی و به سبک درس گفته می‌باشد. این پروژه‌ها را با اندک سامان‌دهی و تغییر، تبدیل به کتاب گویا شده و برای رفع نیازهای روشندان بسیار سودمند است.

*** جناب آقای رضایی فکر می‌کنید برای اجرای این پروژه از کجا باید شروع کرد؟**

طرح‌نامه آماده است، کارهایی شده و تجربه‌های لازم به دست آمده و هم اکنون آرشیو مستقر در دفتر فرهنگ، چندین هزار ساعت کتاب گویا دارد. اما راه‌اندازی یک آرشیو جهانی و جامع نیاز به بودجه ماهانه دارد مثلاً دو نیرو می‌خواهد و بودجه برای خرید امکاناتی مثل کامپیوتر همه این امور به حاج آقا شهرستانی راجع است. ما خجالت زده و شرمنده هستیم. البته جناب آقای شهرستانی کریمانه تا حالا حمایت کرده‌اند ولی خجالت می‌کشیم پروژه دیگری خدمت ایشان ببریم. از سوی دیگر چاره دیگری هم نداریم.

پایان

با تشکر مجدد از همه عزیزان شرکت کننده نیز دیگر عواملی که این میزگرد را مدیریت؛ به استحضار می‌رساند کتاب گویا ابعاد متنوع دارد؛ جنبه‌هایی مثل فنی، ارتباطاتی، حقوقی، اقتصادی، علمی، مدیریتی برخی از ابعاد کتاب گویا است. هر یک از این ابعاد نیاز به نه یک جلسه بلکه چند میزگرد و مباحثه دارد. برای نمونه جنبه فنی کتاب گویا خود تاریخ تحولات مفصلی دارد که از صفحه گرامافون آغاز، پس از آن ضبط و پخش روی کاست، در مرحله بعد CD و DVD و در سال‌های اخیر MP3 و MP4، کتاب موبایل، رادیو کتاب و غیره به بازار آمد. همچنین در بُعد ارتباطی هم تاریخ تحولات کتاب گویا مفصل است. با اختراع برق و الکتریسته زمینه‌هایش شروع و تداوم یافت. اما این نشست فقط به مسائل عمومی یا پاره‌ای از موضوعات حدّ پرداخت. به این امید که این میزگرد در هم اندیشی بین تولید کنندگان کتاب گویا و توسعه تجارب و دستاوردها مؤثر باشد.

